

هنرپیشگان: بی بی آندرسون -  
 ماکس فرسیدو - الیوت گولد  
 فیلم بردار: سون نایکوویست .  
 تهیه کننده: لارس کارلبرگه .  
 کارگردان: اینگمار برگمان .

نخستین معارفه عمومی تماشاگر ایرانی با «اینگمار برگمان» فیلمساز مولف سوئد هنگامی صورت میگیرد که در مسیر هنری کارگردان گرایشهای تازه به وقوع پیوسته بدون آنکه این گرایشها جنبه بنیادی یا اساسی داشته باشند. تبلا فیلمهای «مهر هفتم»، «توت فرنگی های وحشی»، «چهره» و چشم شیطان از آثار مهم و برجسته «برگمان» بطور خصوصی نمایش داده شده - «تماس» دومین فیلمی است که برگمان در طول حیات هنری خود با ساختن آن به عنصر رنگ روی آورده. نخستین بار با فیلم کمدی «امان از دست زنها» از طریق رنگی استفاده نمود و پس از انصراف از ساختن فیلم «همچون در یک آئینه» بصورت رنگی، این دومین یاریست که کارگردان اقدام به ساختن فیلم رنگی کرده است.

همچنین برای اولین بار فیلمی به زبان انگلیسی تهیه کرده و بازم برای اولین بار از یک هنرپیشه غیر سوئدی (الیوت گلد شوهر سابق باربرا استراپند) بهره جسته است. نمایش این فیلم در نقاط گوناگون با اظهار نظرهای مختلف منتقدین روبروشده است. داستان فیلم درباره یک مثلث عشقی است، یک زن و دو مرد، و جریان امر نیز بظاهر بسیار طبیعی می نماید چرا که زن در آثار برگمان مقام ویژه ای دارد و در این مورد بعدا به تفصیل توضیح می دهیم.

«الیوت گولد» به نقش باستان شناسی است که وارد زندگی آرام خانوادگی دکتر و زنش (بی بی آندرسون) میشود. این آشنائی منجر به علاقه و عشق قیامی بین همسر دکتر و باستان شناس یهودی میشود و تکامل تدریجی این عشق بارسوائی و انهدام زندگی زناشویی دکتر نسبت مستقیم می یابد. با مشاهده فیلم دو سؤال عمده پیش می آید. آیا در این فیلم خطوط اصلی آثار برگمان کمتر از گذشته است آنچنانکه خواندن

## دکتر ژاله مهدوی

# بررسی فیلمهای ماه

# از برگمن

# تا کوروساوا



اینگمار برگمن

امضای «برگمان» بعنوان کارگردان چنین فیلمی بسختی در باور می گنجد و دوم اینکه آیا این فیلم در مقایسه با آثار قبلی فیلمساز نوعی رکود و توقف و یا حتی نزول و پس روی محسوس است یا واضح سؤال اول قشقی است چرا که «تماس» تمام خصایص آثار برگمان را به وضوح و روشنی در بردارد. برگمان در سال ۱۹۱۸ در یک خانواده مذهبی سوئد متولد شد. کشیش زاده جوان پس از خاتمه تحصیلات متدینا به کارگردانی تئاتر و ستارونویسی اشتغال داشت. به مناسبت تربیت خاص دوران کودکی و مواجهه با مسائلی چون مرگ و زندگی، آثار او از کتکاشها و اضطرابهای متافیزیکی هرگز جدا نبوده است. میگویند برگمان در جستجوی خداست. ولی جالب آنکه این جستجوگر خداوند از طرفداران پروپاقرص فلسفه اگزیستانسیالیزم محسوب میشود و آثار «سورن کیرکگارد» را عمیقا مورد مطالعه قرار داده است. اگر چه در وهله

است بنابراین «تماس» منعکس کننده صادق سازنده اش بشمار میرود. صحنه نخست فیلم با مرگ آغاز میشود که ما آنرا بشکلی پدیرا میشویم و بعد عشق، گسیختگی پیوندها، کلیسا و اشارات مذهبی که همگی از عناصر اصلی آثار فیلمساز محسوب میشوند. همانطور که در فیلمهای قبلی، «برگمان» بارها بر روی جامعه مرفه سوئد انگشت گذاشته است بنظر میرسد «تماس» نیز نمایشگری است از سرگردانی و نابسامانی جوامع غربی. «بی بی آندرسون» آکتوریس فیلمهای برجسته ای چون «مهر هفتم» - «توت فرنگی های وحشی» و «پرسونا» به نقش همسر دکتر مجددا بازی فوق العاده ای ارائه می دهد. با کمی دقت متوجه می شویم که اکثر لباسهایی که در طول فیلم بر تن «بی بی آندرسون» دیده میشود به رنگ قرمز و یا مشتقات این رنگ انتخاب شده و بدین ترتیب رنگ قرمز واسطه ای است برای توجیه و نشان دادن حالات درونی پرسوناژ زن و شاید امتیازی است از جانب برگمان برای عشق و برای زندگی.

اما در پاسخ سؤال دوم باید گفت این فیلم توقع تماشاگران فیلمساز را برآورده نمی کند و در میان متجاوز از سی فیلم هیچ نوع امتیاز بخصوصی برای سازنده اش ندارد، به جز پرداخت خوب و رهبری دقیق هنرپیشه ها که به غیر از این انتظاری هم نمی رود. اما ناگفته نماند که وقتی برگمان یک فیلم عادی میسازد در حال گذراندن یک دوران آمادگی است و ببعود نیست که بگوئیم دورخیزی دیگر برای خلق یک شاهکار که در آینده نزدیک متولد میشود.

### تازه چه خبر

### دکتر جون؟

هنرپیشگان: باربرا استراپند -  
 رایان اونیل - کنت مارس .  
 سناریست: باک هنری - دیوید نیومن  
 فیلم بردار: لاسلو کواکس  
 کارگردان: پیتر باگدانوویچ .

در میان خیل منتقدینی که به کارگردانی سینما روی آورده اند

«پیتز باگدانوویچ» آدم موفقست است. اگر چه این نخستین بار است که یکی از فیلمهای باگدانوویچ در ایران به نمایش درآمده و لی اثر دیگر او موسوم به «آخرین نمایش قیلم» در ایالات متحده آمریکا با استقبال فوق العاده تماشاگران روبرو شده است. چه در «آخرین نمایش قیلم» و چه در فیلم «هدف» ها «باگدانوویچ جامعه آمریکا را مورد انتقاد قرار داده و بر بی‌عمری و بی‌هودگی زندگی آمریکائی تاکید داشته است. باگدانوویچ که کار خود را از انتقاد قیلم و بازیگری آغاز نموده پس از همکاری با «راچرکومن» متخصص آثار «ادگار آلن پو» و سازنده فیلمهای ماکابروخوفناک رسماً به جرگه کارگردانها پیوسته است. همکاری او با راجرکومن در فیلمی بود بنام «فرشتگان وحشی» که در ساختن آن باگدانوویچ آسیستانتی کورمن را بعهده داشت. «باگدانوویچ» نه تنها به سینمای گذشته عمیقاً دلبنستی دارد بلکه آثار او آشکارا از هیچکاک و بخصوص «هوارد» «هاکز» تأثیر پذیرفته است. تازه چه خبر دکتر جون؟» برداشت تازه‌ایست از فیلمهای «هاکز» که باگدانوویچ با ظرافت مخصوصی آنرا بیابان رسانیده است؛ داستان فیلم برعینای شباهت چند ساک دستی پی ریزی شده و سپس تعویض آنهاست که موجب پیدایش درد سرهای فراوان و یک سلسله حوادث خنده آور می‌گردد.

«باربرا استرایسند» (جودی) تپ همیشه خود را ارائه می‌دهد و رایان اونیل (هوارد بانستر) به نقش یک دکتر موسیقی رل مقابل «باربرا» را بعهده دارد. در خانمه فیلم تصاویر کارتونی نشان داده میشود و این تصاویر گویای آنند که در فیلم باگدانوویچ از قوانین و منطق دنیای کارتون و سپس طنز کارتونی کارگردان است که در لحظه های فیلم تکوین می‌یابد. صحنه های مربوط به تعقیب ماشین ها و بسیاری از پلانهای دیگر از نمونه های خیلی خوب کمدی بشمار می‌روند و بالاخره دیدن این فیلم فرصتی است برای آشنائی با کارگردانی خوش قریحه و باذوق.

### تجلیل از کوروساوا

به کوشش آرشیو فیلم ایران فستیوالی شامل چهارده فیلم از آثار کوروساوا از تاریخ سوم مهرماه الی هجدهم دیماه سال جاری در محل تالار وزارت فرهنگ و هنر برگزار میگردد. این کوشش دنباله اقدامات ارزنده‌ایست که با نمایش سری کامل آثار آنتونیونی و بازولینی آغاز شده است. «آکیرا کوروساوا» - یکی از ده کارگردان بزرگ تاریخ سینما - در سال ۱۹۱۰ در توکیو متولد شد. پس از تحصیل نقاشی و مطالعه در ادبیات فعالیت خود را با کاردر لایبراتور عکاسی استودیوی فیلمسازی «توهو» آغاز نمود. مدتی بعد به مقام معاونت کارگردان ارتقاء یافت و به موازات آن از هرگونه فرصتی برای نوشتن سناریو استفاده میکرد. شروع کارگردانی او هنگامی است که در سال ۱۹۴۳ به ساختن فیلم معروف سانشیر و سوگاتا (افسانه جودو) مبادرت می‌نمود. پس از نیویورک، پاریس و رم اینک در تهران شاهد نمایش آثار ارزنده این کارگردان خواهیم بود. فیلمهایی که در فستیوال عرضه میشوند به ترتیب نمایش عبارتند از افسانه جودو (۱۹۴۳)، از جوانیم تاسفی ندارم (۱۹۴۶) - یکشنبه درخشان (۱۹۴۷) - فرشته مست - دروازه شیطان - زیستن - هفت سامورائی (۱۹۵۴) - زندگی در قوس - کاخ تاریکیوت - دژ پنهان (۱۹۵۷) - بدرگداوان راحت می‌خوابند (۱۹۶۰) - سانسور (۱۹۶۲) - بلندی و پستی (۱۹۶۳) و ریش سرخ (۱۹۶۶) - که در این میان «هفت سامورائی» - «دروازه شیطان» - و «کاخ تاریکیوت» از شاهکارهای سینمای ژاپن محسوب میشوند. فیلمهای دیگر او عبارتند از «دونل خاموش» (۱۹۴۸) - سگ ولگرد (۱۹۴۹) - اقتضاح (۱۹۵۰) و ابله (۱۹۵۱).

### سانشیر و سوگاتا

#### (افسانه جودو)

هنریشگان : سوزوموفوجی تا - تاکاشی شیموزا - دنجیورواوکوهی. سناریست : آکیرا کوروساوا ، اقتباس از نوول تومینا . فیلمبردار : آکیرا میهورا . کارگردان - آکیرا کوروساوا .

در فضائی مربوط به نیمه دوم قرن نوزدهم قیلم آغاز میشود. «سوگاتا» که از جودو اطلاعی ندارد تصادفا شاهد یک مسابقه جالب جودو میشود. سوگاتا به شاکردی استاد در می‌آید. استاد می‌گوید جودو فقط طریقه دفاع شخصی نیست و ماهیت واقعی آن رسیدن به فضیلت و سجایای عالیه انسانی است نهایت اینکه قهرمان واقعی حتی از مرگ هم واخمه‌ای ندارد. سوگاتا می‌گوید باکمال میل حاضر است مرگ را بپذیرد. استاد جواب می‌دهد که سوگاتا هنوز موجود ضعیفی بیش نیست. «سوگاتا» برای اثبات عقیده‌اش پنجره را باز کرده و خود را به میان مرداب کنار پنجره پرتاب می‌کند و در حالیکه دستش را به تنه درختی گرفته است در پرتو نور ماه تاصیح میان مردان میماند. سوگاتا بخواب میرود و هنگامی که چشم می‌گشاید مقابلش نیلوقتر ایی قبیای رولیده است. این صحنه از زیبایی تصویری خارق‌العاده‌ای برخوردار است. در واقع سوگاتا تا سینه هم به ملکوت و کمال دست می‌یابد. از غرور و نخوت سابق در وجودش اثری باقی نمانده و علی‌رغم شهرت و محبوبیتی که از آن پس گسیب می‌کند یک قهرمان واقعی است. این دگرگونی و تحول اخلاق و منش سوگاتا در طی مبارزات بعدی او روشن میشود. تصاویر قیلم سرشار از لطافت و زندگی است و گاه به چنان مرحله‌ای از زیبایی و غنای تصویری می‌رسد که توفی شعری بربرده سینما تجسم یافته است. پس از گذشت ۲۹ سال که از زمان ساختن شدن این فیلم می‌گذرد، اکنون هم میتوان به تماشای آن نشست و لذت برد چرا که آثار اصیل هنری، زمان و مکان مغلوب می‌کنند، از زمان و مکان فراتر می‌روند و بر تارک بی‌زوال جاودانگی درخشش می‌یابند.

### از جوانیم تأسفی ندارم

هنریشگان : سوزوموفوجی تا - ستسوکوهارا - تاکاشی شیموزا - دنجیورواوکوهی . سناریست : آکیرا کوروساوا - ای جیروهی زایتا . فیلمبردار - آساکازوناکای . موزیک - تاداشی هانوری . کارگردان - آکیرا کوروساوا .

### محصول ۱۹۴۶ ، استودیو «توهو»

با این فیلم کوروساوا توجه عمیق خود را به اجتماع و واقعیت‌های آن نشان می‌دهد و بتوان هنرمندی متمهد که میدانند در کجا ایستاده است در فضای اجتماعی به کاوش می‌پردازد. «یوکی» دختری است از یک خانواده مرفه دانشگاهی که قارغ از آگاهی‌های تاریخی و اجتماعی، زندگی معطر و آسوده‌ای دارد. ابتدا او را می‌بینیم که با همشاگردیهایش برای راه پیمائی به جنگل رفته است و متفقا آوازی را زیر لب زمزمه می‌کند. در این هنگام صدای ریگبار مسلسل از دور بگوش میرسد و یوکی متوجه سربازی میشود که زخمی شده و بر زمین افتاده است. یوکی به خانه می‌آید و درباره اتفاقات و زد و خوردهای دانشگاهی با پدرش صحبت می‌کند. بنظر میرسد که نخستین انگیزه آگاهی و تفکر در او بوجود آمده، سپس دور بین به میان وقایع دانشگاه میرود. قوای پلیس گستاخانه به سرکوبی نیروهای آزادیخواه و مترنی دانشگاه مشغول است. «کوروساوا» بدین وسیله سایه شوم و سیاه میلیتاریسم ژاپن را تصویر کرده است. یوکی به یکی از رهبران دانشجویان (نوکی) علاقمند میشود. «نوکی» جوان موردعلاقه او مجله‌ای منتشر می‌کند که با رژیم پشدد مخالف است. «یوکی» به نزدش میرود و زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند. «نوکی» ناگهان دستگیر میشود و در زندان به قتل میرسد. ماموران بدنبال یوکی آمده و او را باخود می‌برند. علی‌رغم بازجویی های مداوم و زندان، یوکی سکوت می‌کند. عاقبت او را آزاد می‌کنند.

یوکی متوجه میشود که پدر و مادر مرد مورد علاقه‌اش مردمان فقیری هستند که در نقطه‌ای دور دست کشاورزی می‌کنند. تصمیم می‌گیرد به نزدشان برود و به آنها کمک کند. اهالی دهکده تصور می‌کنند «نوکی» جاسوسی بوده که در زندان به قتل رسیده است باین سبب با خانواده او و همسرش «یوکی» رفتاری خصمانه و اهانت آمیز دارند. یوکی دوران بسیار بقیه درصفاحه ۵۲

## مشاور، مدرسه (بقیه)

نداشته باشد. آن کسیکه کلاس اول به شاگردانش خطکش میزده معلم نبوده، و این اسم را دزدیده بوده. و فاطمه نباید فراموشش کند. و لاف به احترام نام معلم که الحق مقدس است باید او را از یاد ببرد. او، واقعا معلم نبوده.

وقتی او را ترک میکردم، با همه آرامشی که داشت واقعا نمیدانستم چقدر موفق شده بودم بیرون در، کمی هم با مادرش حرف زدم، از او خواستم بدون سرزنش تا زمانی که خودش عاقل نیست، برای آمدن به مدرسه مجبورش نکنند. او احتیاج به تفاهم داشت. و اینرا نمی‌بایست از او دریغ کنند. خدا حافظی کردم و دعایش بدرقه‌ام کرد.

«خدا عوضتان بدهد - زیارت کربلا و مکه ...»

چه عوضی، بالاتر از این که او بایک روحیه‌ی نو به مدرسه باز گردد. و چه زیارتی مقبول‌تر از زیارت دل‌های کوچک نیازمند.

دیر وقت بود و برای هر اقدامی دیر، فردا، با اینکه نوبت رفتن به مدرسه فاطمه رفتن، به آنجا رفتم. این انتظارا که او به مدرسه بیاید نداشتم. اما رفتن با معلم‌ها صحبت کنم، درباره‌ی وظیفه‌ای که هر یک از آنها برای جبران رفتار زشت یکی از همکارانشان داشتند.

همه با مهربانی حرف‌های مرا پذیرفتند. و من اینرا از قیافه‌ی صمیمی و متاثر آنها در موقع گوش دادن به حرف‌هایم فهمیدم. من کار دیگری هم داشتم. باید به مدرسه‌ی قبلی او میرفتم، می‌خواستم معلمی را که اینهمه ماجرا ایجاد کرده ببینم و از نتیجه‌ی رفتارش گاه شوم. باید او را به نحوی راضی میکردم تا لاف از تدریس در کلاس اول بگذرد.

آه ... خدای من ... این باور کردن نیست. فاطمه به مدرسه می‌آمد. چه زود، دعای مادرش مستجاب شده بود. خدا، به من عرض داده بود. وقتی مرا دید با خوشحالی گفت. من خودم خواستم به مدرسه بیایم «دی-افراق این در شمار زیباترین جمله‌هایی بود که تا بحال شنیده بودم. اما هنوز رنجی که کشیده بود از صورتش محو نشده بود. و این مرا برای رفتن به مدرسه‌ی قبلی او مصمم‌تر کرد.

مدیر مدرسه، به حرف‌هایم گوش داد.

«متأسفانه این خانم همان قدر خشن بوده که توصیف شده. ما حتی چندبار ایشانرا در اختیار بخش گذاشتیم. اما باز برمیگشت. و جز کلاس اول هم جایی دیگر حاضر نبود درسی نداشت. اما خوشبختانه سال گذشته، لیسانس گرفت و به دبیرستان منتقل شد.» (طوسی طباطبائی)

## بحران در استراژی (بقیه)

دنیای در حال توسعه نشان خواهد داد که تا چه اندازه و چگونه میتوان این فاصله را بدون انفجار های شدید و خشن سیاسی پر کرد.

۱ - منظور از «رشد صفر»، همچنانکه در جایی دیگر از این مقاله اشاراتی شده، سیاستی است که رشد کمی تولید ملی را به نفع توزیع عادلانه درآمدها و ایجاد فرصتهای کار برای همه نیروی فعاله ندیده میگیرد. م

۲ - همان فکر است که میگوید بجای «تولید ناخالص ملی» از «خوشبختی ناخالص ملی» بحث کنید. م

### 3- Process

۴ - منظور این است که برنامه های عمرانی در هدفهای تولیدی خود نباید نیاز طبقات معینی را به کالاهای و خدمات مورد نیاز آنها که به اصطلاح تقاضای «موجود» و «بالفعل» است مورد توجه قرار دهند بلکه باید تامین حداقل احتیاجات گروه کثیری از مردم را که در اثر فقدان در آمد و یا ناچیز بودن آن حتی امکان ابراز «تقاضای» خود را در مفهوم اقتصادی کلمه، ندارند راهنمای پیش‌بینی‌های خود قرار دهند. م

## تورینواسپرت



برای آقایان و جوانان  
در تمام فروشگاه‌های کفش پستی

کفش پستی

در خدمت ملت ایران



## از بر گمن تا ... (بقیه)

سخت و دشواری را سپری می‌کند و پس از خاتمه جنگ نزد پدر و مادرش برمیگردد. دستهای پینه بسته او دیگر دستهای ظریف دخترک بی‌خیال سابق نیست که با گلها مشغول بود و پیانو می‌نواخت. نگاه یوکی به پیانو و آلابه خانه توام با تحقیر و تمسخر است. یوکی خانه را ترک کرده و مجدداً به کشاورزان و زحمتکشان می‌پیوندد.

این فیلم علی‌رغم محتوایی که دارد نسبت به افسانه جودو از ارزش سینمایی کمتری برخوردار است. بنظر میرسد در این دو فیلم

## قهرمانان کورساول

مشابهی دارند. هر کدام او آنها مردمان عادی و ساده‌ای هستند که تحت تاثیر يك انگیزه بیرونی، دستخوش دگرگونی عظیم باطنی و درونی میگردند و روند این دگرگونی بسوی کمال و تعالی روحی است. بخش‌نهایی فیلم از لحاظ کمپوزیسیون صحنه بسیار خوب از کار درآمده است اما هنگامی که فیلم به جاهای خیلی حساس میرسد، زیرنویسهای انگلیسی‌را آنچنان به سرعت برمی‌داشتند که نه تنها برای بنده که زبان دوم انگلیسی است بلکه برای جماعت قرنگی هم قابل رویت و خواندن نبود.